

## **A Reflection upon Tradition and Traditionalism and Criticism of the West from the View of Dr. Seyed Hossein Nasr<sup>1</sup>**

**Peyman Sheikh Mahmoudi**

Master's degree, Isfahan University, Isfahan, Iran. paymanshaykhmahmodi@gmail.com

### **Abstract**

The purpose of the present study is to review the ideas of Dr. Seyed Hossein Nasr on tradition and traditionalism and the criticism of the west. Tradition in the view of Dr. Nasr means a set of principles descended from the higher world. They are considered as a special manifestation of the divine essence and are used for special humans during different time periods and circumstances. There is no change or transformation in them as they always have been and will remain the same. They are not restricted or conditioned to a certain time and place. They are neither eastern, nor western. Tradition is simultaneously the truth and the presence. Nasr criticizes western culture and civilization and believes that the traditional world with all its aspects is a defendable system and that modernity is the biggest disaster inflicted on humans in the recent century. He maintains that the only solution to solve this problem is to resort to eternal wisdom. He is a representative of a religious and traditionalist group of thinkers who do not want to surrender in front of the idea of modernity and secularism. Nasr who is certain about his religious and mystical thought, from the outset chose the duty of resisting against the instructions that challenge Islam.

**Keywords:** Tradition, Traditionalism, Seyed Hossein Nasr, Modernism, West.

---

<sup>1</sup> Received: ۲۰۲۱/۰۷/۱۱ - Revision: ۲۰۲۱/۰۸/۲۱ - Accepted: ۲۰۲۱/۱۰/۰۱

\*\*© the authors

E-ISSN: ۲۷۸۳-۴۹۹۹

<http://journals.abru.ac.ir>

## تأملی بر سنت – سنت‌گرایی و نقد غرب از دیدگاه سید حسین نصر<sup>۲</sup>

پیمان شیخ محمودی

کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. paymanshaykhmahmodi@gmail.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی دیدگاه و اندیشه دکتر سید حسین نصر در مورد سنت و سنت‌گرایی و نقد غرب است. سنت در نظر دکتر نصر به معنای مجموعه اصولی است که از عالم بالا فرود آمده‌اند، یک تجلی خاص از ذات الهی هستند که در مقاطع زمانی مختلف و در شرایط متفاوت، برای یک بشریت خاص بکار می‌روند. تغییر و تبدیلی در آن راه ندارد و همیشه بوده و خواهد بود، بدون اینکه محدود یا مقید به زمان و مکانی خاص باشد، نه شرقی است و نه غربی. سنت در آن واحد، هم حقیقت و هم حضور است. نصر فرهنگ و تمدن غرب را مورد نقد قرار داده و معتقد است که جهان سنتی با همه ابعادش، منظومه‌ای قابل دفاع بوده و مدرنیته و تجدد، بزرگ‌ترین بلایی بود که دامان انسان قرن اخیر را گرفت. وی تنها راه حل این معضل را توسل به حکمت جاویدان می‌داند. او نماینده نسلی از اندیشمندان سنت‌باور مذهبی است که نمی‌خواهد در برابر اندیشه تجدد و سکولاریسم تسلیم شود، نصر که به تفکر مذهبی و عرفانی خویش اطمینان دارد، خیلی زود این وظیفه را برای خود برگزید که در برابر آموزه‌هایی که برای اسلام چالش ایجاد می‌کنند، بایستد.

**کلیدواژه‌ها:** سنت، سنت‌گرایی، سید حسین نصر، تجدد، غرب. مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۲</sup> تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰ - تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۵/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۹

E-ISSN: ۲۷۸۳-۴۹۹۹

<http://journals.abru.ac.ir>

## مقدمه

سنت‌گرایی که به‌عنوان جریانی معاصر در قبال مدرنیسم قرار می‌گیرد به وجود یک سنت زنده، پویا و ازلی معتقد است که هرگز از بین نمی‌رود، واحد است و در قالب‌های گوناگون متجلی می‌شود. این معنای از سنت با سنت به معنای متفاوت یعنی رسوم و عادت، بسیار متفاوت است و در این دیدگاه، سنت و سیر رسیدن انسان به خدا شامل مبانی مابعدالطبیعه یا خودشناسی، انسان‌شناسی، اخلاق و خداشناسی است. جریان سنت‌گرایی را رنه گتون عبدالرحمان یحیی فیلسوف فرانسوی تأسیس کرد و توسط آنانده کنیتش کومار دانشمند سیلانی، هویت نظام‌واری یافت و با مطالعات فریتیفو شوان، تیتوس، بورکهارت مارکوپولیس و مارتین لینکز توسعه یافت و به گفت‌مان و جریان فکری خاصی بدل شد. در حال حاضر، سید حسین نصر شاخص‌ترین چهره این جریان است و وی در تعیین اصول سنت‌گرایی متأثر از گنون و شوان می‌باشد. سؤال اصلی این پژوهش آن است که دیدگاه و اندیشه سید حسین نصر در مورد غرب و تمدن غرب چیست و چرا جهان‌بینی غرب را نقد می‌کند و بر دیدگاه‌های سنتی تکیه می‌کند؟

سنت در ماجرای سنت‌گرایی، به معنای رسم و عادت و اسلوب نیست، بلکه مقصود، سنت الهی و ازلی و ابدی است که در تمام وجود ساری و جاری است. در قلمرو فرهنگ و تمدن بشری علاوه بر مقام بی‌چون و چرای تمدن جدید، فرهنگ‌های عظیم و دوران‌ساز دیگری نقش داشته‌اند که اینها تمدن‌های سنتی بوده‌اند، مانند تمدن ایران باستان، چین، مصر، ژاپن، بابل، آشور، تمدن‌های سرخپوستی، تمدن‌های وسطای مسیحی و نظایر آن. اما در رابطه با سنت، پیش از هر تعریفی سزاوار است که خاستگاه فکری سنت یا شکل خاص دریافت و فهم آن ذکر شود. آن مکتب بزرگی که در دامان آن شکسته می‌شود، حکمت جاویدان است. این اصطلاح را نخستین بار در جهان اسلام ابن مسکویه ابداع کرد، هرچند حقیقت آن همیشه وجود داشته است. او نام کتاب خود را که گفته‌هایی پیرامون مابعدالطبیعه از حکیمان قبل و بعد از اسلام است «الحکمه الخالده» نهاد. کار این حکمت، شناخت قوانین و مرزهای جهان است و معرفتی بوده و خواهد بود و خصیصه‌ای جهان‌شمول دارد، هم به معنای وجود داشتن در میان اقوام و ملل در سرزمین‌های گوناگون و در اعصار مختلف و هم به معنای سروکار داشتن با اصول جهان‌شمول، و آن معرفتی است که برای عقل مشهود است و در قلب تمام ادیان و سنن وجود دارد و فهم آن تنها از طریق همان سنن و به‌وسیله روش‌ها، مناسک، نمادها، صورت‌های تخیل و... بشر است که پیام آسمانی یا ذات الهی که آفریننده هر سنتی است، آن‌ها را مقدس ساخته است.

## سابقه تاریخی

سابقه تاریخی سنت‌گرایی به یک اعتبار به سابقه تاریخ بشری است، زیرا بر طبق ادعای خود سنت‌گرایان، مدعیان اصلی سنت‌گرایان مجموعه حقایقی است که شمول تاریخی و جغرافیایی همه‌گیر دارد، یعنی همه انسان‌ها در همه مقاطع تاریخی و همه مناطق جغرافیایی بدان‌ها باور داشته‌اند، دارند و خواهند داشت. سنت‌گرایی را می‌توان در علوم و معارف سنتی و اقوام بدوی نیز در هر ناحیه از جهان یافت و اشکال و صور متکامل‌تر آن را در هر یک از ادیان بزرگ جهانی می‌توان سراغ گرفت.

نصر هم یکی از پرنفوذترین چهره‌های سنت‌گرا و نماینده سنت‌گرای جهان اسلام می‌باشد، وی استاد فعلی دانشگاه جورج واشنگتن و یکی از مهم‌ترین پژوهشگران در زمینه‌های مطالعات اسلامی و ادیان است و تاکنون بیش از پنجاه

کتاب و چهارصد مقاله پژوهشی به زبان‌های گوناگون منتشر کرده است. دکتر نصر دارای شخصیت ویژه‌ای است و از مقبولیتی خاص در عالم غرب و اسلام برخوردار است. تبار فکری نصر، حاصل چهل سال تدریس و تحقیق آکادمیک است. گستره تأملات، نصر را در سه رویکرد قرار داده است: (۱) احیا و دفاع از سنت، (۲) حکمت جاویدان، (۳) معنویت و امر قدسی. نگاه و باور نصر به این سه موضوع، او را در مسیر پروژه‌های فکری قرار داده است که از وی به‌عنوان اندیشمندی قابل در جهان غرب یاد می‌شود. وی در سرزمین عرفیات جدید به جدال با مدرنیته مشغول بوده و راه نجات انسان دنیای مدرن را بازگشت به سنت و معنویت می‌داند. بن‌مایه‌های معرفتی نصر بر پایه بازخوانی اسطوره‌ای و فلسفی معطوف به علم و تمدن ایرانی-اسلامی قرار دارد. وحی در سلوک فیلسوفانه‌اش نیز از مجرای دین اسلام وارد شده و احیای فلسفه اسلامی و همه رأی را پارادایمی قابل توجه در جهان فعلی می‌داند. نگاه نصر به سنت در امر سنت‌گرایی همچون گنون، کوماراسوامی و شوان استولی، معرفت سنت‌گرایی را در مقابل اندیشه‌های مدرنیته قرار داده و آن را به چالش می‌کشد (دین‌پرست، ۱۳۸۵).

### سنت

سنت<sup>۳</sup> به معنای اعتقاد و آداب و رسومی است که مدت زمانی طولانی از آن گذشته باشد. به نظر می‌رسد در این تعریف مهم‌ترین عنصر زمان است، اما سنت‌گرایان این معنای از سنت را مردود می‌دانند. آن‌ها از سنت نه به معنای متعارف آن، بلکه سنتی جاودان را اراده می‌کنند که تغییر و تبدیل در آن راه ندارد، همیشه بوده و خواهد بود بدون اینکه محدود یا مقید به زمان و مکانی خاص باشد، نه شرقی و نه غربی، بنابراین هرگز دورانش به سر نمی‌آید. سنت در آن واحد هم حقیقت و هم حضور است. نصر معتقد است سنت، علمی است که بیش از اندازه واقعی است (نصر، ۱۳۸۱، ص ۱۵۶). وی نیز مانند روشنفکران به رابطه دین و مدرنیته توجه دارد، اما برخلاف ایشان به هماهنگ‌سازی دین با مدرنیته معتقد نیست، بلکه چاره را در بازگشت به اصول سنت می‌داند و مطالعات وی در دین‌پژوهی بسیار گسترده است. از این رو، با یافتن اشتراکات ادیان آن را به‌عنوان داروی مدرنیته معرفی می‌کند و با تأکید بر عرفان اسلامی و آیین‌های شرقی، درصدد حل معضل دنیای جدید غرب است. سنت در معنای کلی‌تر مشتمل بر دین، یعنی اصولی است که انسان را به عالم بالا پیوند می‌دهد. به این معنا، سابقه‌اش به اندازه سابقه تمدن بشری بر روی زمین است، اما سنت‌گرایی به‌عنوان جریانی معاصر که به‌دنبال مدرنیته پدید آمده است در مقابل آن قرار می‌گیرد، با گنون آغاز شده و با شوان به اوج خودش می‌رسد. نصر را که ادامه‌دهنده شوان است شارح آثار شوان می‌دانند. سنت‌گرایان قائل به وجود یک سنت واحد و ازلی هستند، هرچند ادیان و سنن ظاهراً متکثری وجود داشته باشند که تجلی آن دین واحد به‌شمار روند. بنابراین یکی از مهم‌ترین آموزه‌های این دیدگاه، اعتقاد به وحدت متعالی ادیان و نیز سنتی واحد است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها به شکل‌های گوناگون وجود داشته است (امامی جمعه و طالبی، ۱۳۹۱).

<sup>۳</sup> Tradition

## اصول سنت‌گرایی

سنت‌گرایان بر این باورند که اولاً همه ادیان بزرگ و ماندگار در جهان، سرچشمه الهی دارند؛ ثانیاً با وجود اختلاف ظاهری، از وحدت باطنی برخوردارند؛ ثالثاً حکمت جاویدان در همه آن‌ها محقق است. به اعتقاد سنت‌گرایان، دوران مدرن، دنیای جاهلیت نوین است که بت‌های مکاتب باطل باید در آن‌ها از بین برود (نصر، ۱۳۸۳). نصر، انگیزه خود از مخالفت جدی با تجدد را احساس تعهد خود به حقیقت سنتی و توهم خیرخواهی برای انسان دانسته و نقد مدرنیته را براساس اصول مابعدالطبیعه و دینی می‌بیند (نصر، ۱۳۸۳، ص ۱۸۱). بر همین اساس، معتقد است نخستین وظیفه تمام متفکران سنت‌های معنوی و دینی مانند اسلام، نقد مدرنیته است (نصر، ۱۳۸۵). اینکه بسیاری از کشورهای شرقی و به‌طور خاص اسلامی از سرنوشت شوم عرب عبرت نگرفته و اشتباه آن را تکرار می‌کنند، سنت‌گرایان را بسیار نگران کرده است. به همین دلیل سنت‌گرایان از جریان روشنفکری بیزارند و عدم نقد اساسی غرب توسط مسلمانان و سعی در سازگار نشان دادن اسلام و غرب توسط برخی روشنفکران دینی، برایشان ناخوشایند است. آن‌ها روشنفکران نیمه‌متجدد مسلمان را فاقد اصالت فکر و تسلیم در برابر تفکر دین‌زدایی غرب جدید می‌دانند (نصر، ۱۳۸۳، ص ۲۸۶).

معنای دقیق مدرنیته در نظر سنت‌گرایان به‌درستی تبیین نشده است، چراکه گاهی تصریح می‌کنند مقصود آن‌ها مطلقاً نو شدن و تحول نبوده، از این‌رو با علوم جدید نیز مخالفت کلی ندارند. آن‌ها اصول مدرنیته را قبول نداشته و معتقد به ریشه‌کن شدن مدرنیته هستند و معتقدند تمام دستاورد مدرنیته باطل نیست (نصر، ۱۳۸۱، ص ۱۸۲)، اما با توجه به اموری که به عنوان مؤلفه‌های مدرنیته ذکر می‌کنند می‌توان دریافت آن‌ها با رویگردانی بشر از حقایق الهی و اکتفا به جنبه‌های مادی حیات مخالفت می‌کنند. سنت‌گرایان با علم‌پرستی و علم‌زدگی و تبدیل علم به جهان‌بینی مبتنی بر عقل‌ابزاری و جزئی و تجربه‌گرایی و مادی‌گویی و انسان‌محورانه هم مخالفت می‌ورزند و بر علم قدسی تأکید می‌کنند (نصر، ۱۳۸۱، ص ۱۸۳-۱۸۲). در نظر سنت‌گرایان این دانش بیش از اندازه واقعی، معطوف به علم قدسی است که در گوهر سنت قرار دارد. آنچه سنت‌گرایان سخت بدان می‌اندیشند فواید و ثمرات سنت است، به ویژه که در دنیای مدرن مورد تهدید قرار گرفته است. لذا، به این معنا، سنت‌گرایی آرمانی است که با سنتی زیستن متفاوت بوده و موضعی بیرونی نسبت به خود سنت محسوب می‌شود. سنت‌گرایان معتقدند که انسان‌ها از حیث انسان بودن ذاتاً از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردارند که راه وصول به حقیقت را می‌تواند دریافت کند. سنت‌ها خصوصاً سنت‌های مذهبی از نوعی همگنی تجربه متافیزیک برخوردارند که ساخت‌های عظیم نظام معرفتی سنت را سامان و شکل می‌دهند. کار ویژه سنت در نزد سنت‌گرایان، خاطره‌ای مثالی است که از آن به عنوان امر قدسی و پاک یاد می‌کنند. این مورد نیز قابل توجه است که سنت‌گرایان، سنت را درگیر با شکل‌هایی از مراسم و آیین‌های رفتاری و اسطوره‌ای نمی‌دانند، بلکه اینان سنت را پویا تصور می‌کنند که سمت‌دهنده رفتار جمعی بشر است (ریویر، ۱۳۸۲، ص ۱۶۸). نگاه نصر به کارکرد سنت چندان اجتماعی و فرهنگی نیست، بلکه نگاه او فلسفی و توأم با بن‌مایه‌های دینی و اسطوره‌ای است. نصر نیز مانند روشنفکران به رابطه دین و مدرنیته توجه داشته، اما برخلاف آن‌ها به هماهنگ‌سازی دین با مدرنیته معتقد نیست، بلکه چاره را در بازگشت به اصول سنتی می‌داند. مطالعات وی در دین بسیار گسترده است. سنت‌گرایان معتقدند سنت عبارت است از اصولی که از مبدأ کلی که هر چیزی از آن نشأت گرفته و به آن باز می‌گردد (نصر، ۱۳۸۱). از این‌رو،

با یافتن اشتراکات ادیان، آن را به عنوان داروی مدرنیته معرفی می‌کند و با تأکید بر عرفان اسلامی و آیین‌های شرقی درصدد حل معضل دنیای جدید غرب است (نصر، ۱۳۸۶).

سنت در نظر نصر، به معنای حقایقی است که ریشه متعالی و مابعدالطبیعه دارند و این اصول و حقایق در زمان به‌نحو پیوسته جاری هستند و از آن طرف، تجددگرایی در نظر وی به معنی اینکه انسان، خدا و حقایق متعالی را به کنار گذاشته و خود انسان را مطلق گرفته است و عقل، منافع و ادراکات بشری را به معیاری برای واقعیت معرفت و حقیقت تبدیل ساخته است. انسان امور گذرا را به جای امور سرمدی نشانده است. تجددگرایی به زبان فلسفی، پرستش زمان و امور گذرا و گونه‌ای الوهیت‌بخشی و همه چیزهایی که در تاریخ جریان دارد، است (نصر، ۱۳۸۵). نصر، سنت‌گراست و فیلسوفانی را بزرگ می‌داند که به نگاه سنتی او نزدیک هستند و یا می‌توانند به نگاه فلسفی او به هستی کمک کنند. در حقیقت، نصر را می‌توان یک پلورالیسم دینی نامید. او درباره تصوف می‌نویسد: تصوف، ساخت درونی و باطنی عرفان اسلام است و درست به همین دلیل نه‌تنها از سرنوشت وحی اسلامی بهره‌مند است، بلکه قلب آن نیز به‌شمار می‌آید (همان، ص ۹۰). نصر، مراد از سنت در آثار خود را حقایق و اصولی می‌داند که دارای منشأ الهی‌اند و از طریق شخصیت‌هایی معروف به پیامبران، رسولان، اوتاره‌ها و عوامل انتقال نه‌تنها برای ابنای بشر، بلکه برای یک بخش کاملاً کیهانی ظهور یافته و نقاب از چهره آن‌ها برمی‌گیرد. بنابراین سنت در اندیشه سنت‌گرایان نه امر زمینی، بلکه امر آسمانی و دارای منشأ الهی و فوق بشری است، امری مقدس که انسان را به آن اصل حقیقی پیوند می‌دهد. نصر می‌گوید سنت، اسطوره‌ای کورکورانه و فرسوده و بی‌اعتبار نیست، بلکه علمی است سخت واقع و حقیقی (شوان، ۱۳۸۶).

با توجه به معنای مورد نظر سنت‌گرایان، می‌توان سنت را همان حقایق و آداب و رسوم با منشأ آسمانی دانست که نه‌تنها امری متعلق به گذشته نیست، بلکه در هر زمان و مکان جریان دارد، حقیقتی است که انسان را به خدا رسانده و موجب پیوند میان او و خالقش می‌شود و همین پیوند است که جهان‌شمولی و جاودانگی سنت را به ارمغان می‌آورد. بنابراین سنت نه‌تنها بیش از هر چیز با دین مرتبط است، بلکه پیوند ناگسستنی با آن دارد به‌گونه‌ای که سنت‌گرایان معنای سنت را در پیوند با دین بررسی می‌کنند. نصر بر این باور است که جهان سنتی با همه ابعادش منظومه‌ای قابل دفاع بوده و مدرنیته و تجدد بزرگ‌ترین بلایی است که دامان انسان قرن اخیر را گرفته است. در سنت از هیچ امری فروگذار نشده است، از اصول و ضوابط جهان‌شناختی و معنوی تا علوم ریاضی و تجربی و غربیه و از پایه‌ریزی نظام اجتماعی و موازین رفتاری تا کنترل و تنظیم هنر. سنت به معنای اصول و حقایقی است که منشأ قدسی دارد و تبلور، کاربرد و تخیلات خاص خود را در چارچوب هر تمدنی داراست. هر تمدنی که با این اصول پیوند دارد، تمدن سنتی نامیده می‌شود (نصر، ۱۳۸۶).

سنت همه چیز را به مراحل متعال هستی و درنهایت به اصول غایی که مسائلی کاملاً ناشناخته برای بشر جدید هستند، نسبت می‌دهد. سنت‌گرایی به معنی خاص یعنی حقایق یا اصولی که دارای منشأ الهی است و از طریق شخصیت‌های مختلفی موصوف به رسولان، پیامبران، اوتاره‌ها، لوگوس و دیگر عوامل انتقال برای ابنای بشر آشکار شده است و با به‌کارگیری این اصول در حوزه‌های مختلف اعم از ساختار اجتماعی و حقوقی و علوم همراه است و معرفت متعالی همراه با وساطتی برای تحصیل آن معرفت را نیز شامل می‌شود (نصر، ۱۳۸۱). سنت برای سنت‌گرایان به معنی خاص شامل آن اصول و قواعد دارای منشأ الهی است که منظومه فکری و جهان‌بینی آن‌ها را تشکیل می‌دهد نه عناصر و ظاهر

مادی جهان سنتی، انسان‌ها و بناها و امکانات آن زمان. با این وصف، گرچه با آمدن دنیای مدرن، جهان سنت (به معنای عام) رخت بر بسته و به تاریخ پیوسته، اما سنت (به معنی خاص) برای سنت‌گرایان بوده و هست و خواهد بود، زیرا آغازی آسمانی و منشأ الهی دارد و متصل به معنی الهی است. نقد نصر از تجدد، نه به معنی کنار گذاشتن تکنولوژی و علوم مدرن است و نه به معنی آرزوی بازگشت به گذشته. او می‌گوید در جهان سنتی نگاه قدسی الهی وجود داشت و منشأ الهی داشتن، زمینه فضای فکری سنت بود، آن اصول و قواعد الهی (سنت) باید اکنون هم غلبه یابد. مشکل اصلی روشنگران مسلمان این است که می‌خواهند از چشم مدرنیته به خود و فرهنگ خود و سایر مسائل نگاه کنند، درحالی‌که نصر معتقد است باید از درون نگاه کنیم و با چشم خود به بیرون نگاه کنیم (کدیور، ۱۳۸۷). اصولاً تخصص نصر در نوع تفکر فلسفی و اشکالات مبنایی و فلسفی نهفته است. او معتقد است اشکال دنیای تجدد و مدرن این است که به جای خدا، انسان را محور هستی قرار داده‌اند، از این‌رو خدا از کانون یا دایره هستی خارج شده و عقل بشر مبنای تفکرش شده است. دکتر نصر معتقد است این معنای از سنت در جهان معاصر و در تمدن غربی، خود نوعی نابهنجاری است که به تبعیت از نابهنجاری عالم متجدد یعنی تقدس‌زدایی از ساحتهای مختلف عالم و معرفت و نیز به دنبال دنیازدگی انسان، ظهور یافته و از همین زمان بود که این معنای سنت مورد توجه قرار گرفت؛ درحالی‌که برای انسان در دوران قبل از تجدد از آنجا که در دنیای سرشار از سنت زندگی می‌کرد و درکی از بیرون نسبت به سنت به معنای جدید نداشت، نیازی نبود که مفهوم سنت را به‌طور جامع تعریف کند. او نسبت به وحی، حکمت و امر قدسی آگاه بود و درباره دوره‌های زوال و انحطاط تمدن و فرهنگ خویش نیز چیزی می‌دانست، اما از یک عالم کاملاً دنیازده و سنت‌ستیز که تعریف سنت را چنانچه امروز ایجاب می‌کند، تجربه‌ای نداشت (نصر، ۱۳۸۱، ص ۱۵۳).

به باور نصر، تأکید سنت‌گرایان معاصر بر شرق در نتیجه‌ی اوضاع و احوالی بود که به دنبال جریان تجددگرایی در مغرب زمین علیه سنت و سنت‌گرایی به وجود آمد، وگرنه سنت محدود به زمان و مکان خاصی نیست و شامل شرق و غرب و هر دو می‌شود. سنت‌گرایان از سنت نه معنای متعارف آن، بلکه سنتی جاودان را اراده می‌کنند که تغییر و تبدیلی در آن راه ندارد و همیشه بوده و خواهد بود، بدون اینکه محدود یا مقید به زمان و مکان خاصی باشد، نه شرقی است و نه غربی، بنابراین هرگز دورانش به سر نمی‌آید (نصر، ۱۳۸۱). سخن گفتن از سنت نه به معنای نفی مبدأ سماوی هر دین و سنت اصیل، بلکه به معنای تأیید و اثبات امر قدسی در هر پیام فرورستاده شده از آسمان است (نصر، ۱۳۸۱). سنت در نظر سنت‌گرایان به معنای سنت الهی و ابدی است که در همه ارکان عرصه‌های هستی جاری است. سنت یعنی اصول و حقایقی که منشأ قدسی دارد و تبلور، کاربرد و تخیلات خاص خود را در چارچوب هر تمدنی داراست. هر تمدنی که با این اصول پیوند دارد، تمدن سنتی است. این ایده مختص به اسلام نیست و در ادیان دیگر مانند کاتولیک و پروتستان یهودی و غیره جاریست و رکن اصلی آن، واکنش به مدرنیسم است (شوان، ۱۳۸۳). به نظر نصر، انسان سنتی از امر قدسی جداشدنی نیست و همواره به امر قدسی رجوع می‌کند. از آنجا که امر قدسی استدلالی ابدی و ازلی است، بنابراین لایتغیر است و در نتیجه سنت نیز که به امر قدسی رجوع دارد لایتغیر خواهد بود، زیرا به منبع ازلی و ابدی توجه دارد. نکته مهم در اندیشه نصر، ضرورت احیای سنت است که معنای دیگر آن همان کشف دوباره امر قدسی است، زیرا در سنت امکان یأس و ناامیدی منتفی است و عقل کل همواره وجود دارد و این ما هستیم که باید خود را در مقابل پرتو آن قرار دهیم. یکی دیگر از ابعاد اندیشه نصر، غلبه بُعد تصوف و صوفیانه نصر به

دیگر ابعاد اسلام‌شناسی اوست (دارابی، ۱۳۸۸). تمدن اسلامی دارای پیشینه و نمایه‌های علمی و فنی گسترده‌ای است که سنت‌گرایان به آن با دیده احترام می‌نگرند (نصر، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱-۱۴۷).

حکمت خالده یکی از مبانی علم قدسی در سنت‌گرایی است. این اصطلاح از سوی سنت‌گرایان پیش از نصر از جمله شوان به‌کار رفته است. فهم دقیق حکمت خالده با فهم سنت از دیدگاه سنت‌گرایان ارتباطی وثیق دارد. اصطلاح سنت در دوران پیش از مدرن کاربرد صریحی نداشته، اما امروزه به قرینه تجدد و دنیازدگی انسان مدرن معنای آشنایی یافته است (گنون، ۱۳۷۲، ص ۳۸، عدنان، ۱۳۸۵، ص ۹۹-۱۰۰). از دیدگاه سنت‌گرایانی از جمله رنه گنون، کومارا سوامی، بورکهارت و دکتر نصر، سنت و جامعه سنتی و ویژگی‌های آن معادل اصطلاح حکمت خالده قرار دارد. این اصطلاح نخستین بار از سوی آگوستینو استیوکو فیلسوف آگوستینی به‌کار برده شد (نصر ۱۳۸۰، ص ۱۵۶). به بیان دکتر نصر، سنت‌گرایان برای تمامی وجوه هر سنت و دینی احترام قائلند، از فقه گرفته تا عرفان و حکمت و این امر برای آن‌ها هم در مورد اسلام صادق است. در ادیان دیگر هم بدون اجرای احکام الهی در مرتبه حقوق و فقه، قدم نهادن به سوی وادی عرفان ممکن نیست (نصر، ۱۳۷۵، ص ۹۳).

از منظر سنت‌گرایان انتظار معقول بشر از دین، ارشاد به سوی رستگاری انسان است که با معرفت به حقیقت و نحوه وصول به آن توأم است. نتیجه این ارشاد معنی دادن به زندگی آدمی است که به اندازه آب و هوا برای تداوم زندگی ضروری است. دین نیز از بشر انتظار دارد که امر قدسی را بپذیرد و در مقابل واحد هستی‌بخش سر تسلیم فرود آورد (نصر، ۱۳۷۵، ص ۹۳-۹۶). دکتر نصر در تبیین سنت‌اندیشی، حکمت خالده و افزودن بر بهره‌مندی از آموزه‌های ادیان الهی از آرای ابن سینا، حکمت اشراق، حکمت متعالیه و عرفان ابن عربی نیز متأثر بوده است. وی علم مدرن را علم نیازده می‌نامد. این علوم در صدد سلطه بر جهان هستند و تقریباً به این هدف دست یافته‌اند. نصر برای بخشیدن جان تازه به علوم سنتی و مقدس، می‌کوشد سرشت علوم غربی را هرچه بیشتر نمایان سازد و پیامدهای آن را به جامعه عرضه کند. او تأسف می‌خورد که بیشتر مردم دنیا با دیدن مظاهر علوم غربی، سنت هزاران‌ساله خود را کنار نهاده و مشغول تبعیت کورکورانه از علم غربی جدید شدند. یکی از پیامدهای جریان علوم غربی در رگ‌های زندگی، فاجعه زیست‌محیطی امروزی است که همگان نیز بر آن آگاهی دارند، فاجعه‌ای که شرایط لازم برای فروپاشی کامل نظام طبیعی را فراهم آورده است (نصر، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹، ۱۲۸). دکتر نصر از میان سنت‌گرایان مختلف، به سنت اسلامی توجه ویژه دارد. به نظر او سنت اسلامی افزون بر مجموعه عقاید و اعمال اصلی، کل کاربرد و شکوفایی تاریخی و متداول آن عقاید و اعمال را نیز در بر می‌گیرد. هرچند اسلام به‌مثابه این جوانب ثابت، کل اسلام را شامل است، به‌مثابه سنت نیز جوانب متغیر این دین را شامل می‌شود. اسلام به‌مثابه دین، ایستا و راکد است، حال آنکه به‌مثابه سنت، پویا و زنده به‌شمار می‌رود (عدنان، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳). سنت، مجموع حقایق مشترک همه ادیان و حیانی به‌شمار می‌آید و در تمام ادیان اصیل که تنها منبع تحول و تبدیل زمینی و نجات اخروی‌اند، حی و حاضر است. از این رو، همه ادیان مبدائی واحد و گوهری مشترک دارند که همان سنت جاویدان است و مایه و مبنای پیوند ادیان نه‌تنها با مبدأ کل، بلکه با یکدیگر نیز به‌شمار می‌رود (همان، ص ۱۰۱).

سنت‌گرایان اساس دین را حکمت الهی می‌دانند. دین در نظر آن‌ها دقیقاً آن چیزی است که از سوی پیامبران آمده است. سنت‌گرایان خود را آورنده سنت نمی‌دانند، بلکه خود را بیان‌کننده آن در عصر جدید و مدرنیته می‌دانند. از آنجا که مدرنیته نه‌تنها مخالف این حکمت است، بلکه هدفش نفی حکمت الهی و دینی است، لذا سنت‌گرایان تلاش خود



را صرف بیان معنای سنت در عصر حاضر می‌کنند. سنت‌گرایان در صدد احیای حقیقت حکمت الهی هستند که بادوام و پایدار باشد. نصر برای فهم دقیق معنای سنت، به ارتباط آن با دین می‌پردازد. به باور و تفکر نصر، سنت مفهومی است که دین را در پروژه خود دربردارد و در باور سنت‌گرایان مقصود از تمدن اغلب تمدن شرقی و یا حداقل تمدنی است که جنبه الهی داشته باشد. در این تمدن، اسلام با رجوع به سنت و پیروی از الگویی می‌زیسته و هنگامی که با مسائل اساسی وجود مواجه می‌شد، با رجوع به مبدأ به پرسش‌های خود پاسخ می‌گفت. در این جوامع، شاهد نفوذ تفکرات متافیزیکی هستیم و پرسش از سنت، گراگرد وحی قرار دارد و ثقل اصلی و مرکزی جامعه سنتی است. بنابراین آن‌ها که از توانایی فکری خاص برخوردارند تلاش و توانایی خود را در این طریق صرف می‌کنند که به شیوه سنتی حقایق متافیزیکی را تبیین کنند، بدین‌سان اغلب فیلسوفان اسلامی آنچه را در قالب مبانی فلسفی ارائه نمودند اغلب از این مایه‌های وحیانی و دینی است که در سنت به وضوح دیده می‌شود. اما چه کسی یا چه چیزی پایداری سنت را تضمین می‌کند؟ به اعتقاد نصر، برخی سنت‌ها نوعی مرجعیت دارند و برخی دیگر دارای یک اجتماع قدسی‌اند که خود ضامن خلوص و استمرار پیام است. چنین رسالت کاهنانه‌ای می‌تواند بافت‌های پیکره سنت را در هم تنیده و از هرگونه گسست جلوگیری نماید. در اینجا مقصود نصر، سیطره سنت بر شئون جامعه است. نصر در این باره می‌نویسد در تمدنی که سنتی توصیف می‌شود هیچ چیز خارج از قلمرو سنت قرار نمی‌گیرد، هیچ حوزه واقعی نیست که خارج از اصول سنتی و موارد اطلاق و کاربرد آن اصول، حق موجودیت داشته باشد. سنت مبدأ قانون جامعه است و سنت بنیاد اخلاق است. در واقع اخلاق خارج از چارچوبی که سنت وضع کرده است، معنا ندارد. به علاوه سنت، اصول و ضوابطی برای جنبه سیاسی حیات جامعه مقرر می‌دارد و مرجعیت سیاسی با مرجعیت معنوی مرتبط می‌شود (نصر، ۱۳۸۱، ص ۱۷۵).

## نقد غرب

نصر و کلاً سنت‌گرایان، سنت را یک موهبت و امری که منشأ الهی دارد، تلقی می‌کنند. نصر در تمام آثارش از شریعت نام برده و در کتاب‌های قلب اسلام و جوان مسلمان در دنیای تجدد، به پابندی شریعت و مطابقت آن با طریقت و حقیقت تأکید می‌کند و بر این نکته اصرار دارد که سنت‌گرایی به تمامی سنت از فقه گرفته تا عرفان و حکمت احترام می‌گذارد و معتقد است هیچ‌کس نخواهد توانست سنت فکری سرزمینش را از دریچه چشم‌انداز تفکری بیگانه به درستی بنگرد، همان‌گونه که هیچ‌کس با چشم دیگری خودش را نخواهد دید و تأکید می‌کند متدولوژی آموزش فلسفه و علوم انسانی در سرزمین ما باید از زاویه درون به بیرون شکل بگیرد. از ویژگی‌های مهم جریان سنت‌گرایان می‌توان به مواردی اشاره کرد از جمله، همه در جستجوی حکمت خالده و شرح و بسط آن بوده و گرایش شدیدی به عرفان نظری دارند و تمامی ادیان الهی در نقطه اوج و هدف خود را با یکدیگر متحد می‌دانند و نگاه خوش‌بینانه به اسلام دارند، چنانچه بسیاری از آن‌ها به دین اسلام گرویدند و به نحو بی‌رحمانه و در عین حال با دقت و قوت به انتقاد از فرهنگ جدید غرب می‌پردازند.

نصر در تمامی طرح تمدنی عصر مدرن از برتری ذهن و جسم بر روح، ترک دید عرفانی، زدودن جوهر الهی طبیعت و هواداری از علم و دانش غیردینی به عنوان راه رستگاری اجتماعی جهانی، انتقاد می‌کرد. نصر مانند بیشتر منتقدان تجدد بر این باور است که وضع اولیه و ارزشمندی که ویژگی آن همانا هماهنگی با خداوند و طبیعت بود، به علت هجوم

تجدد از میان رفته است. او ادعا می‌کند عصر نو که ویژگی آن طغیان انسان علیه خداوند، جدایی عقل از نور راهنمایی خرد و کمبود فضیلت است به منجلاّب آشفتگی، انحطاط و نادرستی انجامیده است. البته چنانچه بارها خود او تصریح کرده است تلاش وی محو نمودن آثار تمدن مدرن غربی نیست، بلکه نشان دادن آن‌ها در موقعیت فراخورشان است. نصر می‌گوید راه رستگاری از طریق نهیلیسم نیچه نیست، بلکه از طریق حکمت خردمندانه عارفان شرقی است. در این نوع دیدگاه، سنت‌گرایان بیشترین دغدغه‌شان بازگشت به معنای سنت و آنچه از آن با عنوان حقایق ربوی یاد می‌کنند، می‌باشد. البته سیدحسین نصر، شوان، گنون، کومارسوامی و... جزو آن دسته از افرادی هستند که دغدغه فکر سنتی دارند. در نگاه این عده، چیزی که از عالم متجدد مورد انتقاد است سنت است، کل جهان‌بینی، مقدسات و مبانی و اصولی است که از نظر سنت کاذب است. لذا نصر نیز با آگاهی کامل به مواجهه با دنیای مدرن می‌رود. او پرتگاه‌های فراروی انسان متجدد را به‌وضوح می‌بیند و دست به مخالفت قطعی با تجددگرایی می‌زند. وی این تجددگرایی را هرگز نه با جهان معاصر و نه به مفهوم دقیق کلمه، بلکه با آن شورش و طغیان علیه عالم بالا که در غرب با دوران رنسانس آغاز شد و اینک تقریباً همه گره زمین را مورد تاخت‌وتاز قرار داده است، معادل می‌گیرد (نصر، ۱۳۸۱، ص ۱۸۱).

سید حسین نصر می‌گوید علم جدید مدرنیته غرب، بحران‌های مختلف روانشناختی و زیست‌محیطی ایجاد کرده است و این بحران تا بدانجا رسیده که انسان متجدد حقیقتاً فراموش کرده کیست (نصر، ۱۳۸۳، ص ۲۵). نصر نماینده نسلی از اندیشمندان سنت‌باور مذهبی است که نمی‌خواهد در برابر اندیشه تجدد و سکولاریسم تسلیم شود. او که به تفکر مذهبی - عرفانی خویش اطمینان دارد خیلی زود این وظیفه را برای خود برگزید که در برابر آموزه‌هایی که در برابر اسلام چالش به‌وجود می‌آورند مانند تکامل باوری، روانکاوی، اگزستانسیالیسم، تاریخ باوری و ماتریالیسم دیالکتیکی واکنش نشان دهد. او با نشان دادن اینکه فرهنگ سنتی ایران هنوز از نفس نیفتاده است، به محکم‌سازی زره فلسفی بومی‌گرایی کمک کرد. سرانجام آنکه وی با زیر سؤال بردن حقانیت گسیختن شناخت‌شناسانه تجدد از تفکر سنتی، اطمینان دارد که جهان‌بینی بومی‌گرایی هنوز مطرح و از آن مهم‌تر کارساز است (همان، ص ۳۶). سنت هم در نظر دکتر نصر و هم در نظر دیگر نویسندگان سنت‌گرا، به معنای رسم و عادت یا انتقال قهری افکار و مضامین معرفتی از نسلی به نسل دیگر نیست، بلکه عبارت است از مجموعه اصولی که از عالم بالا فرود آمده‌اند و عین یک تجلی خاص ذات الهی‌اند که در مقاطع زمانی مختلف و در شرایط متفاوت برای یک بشریت خاص به‌کار بسته شده‌اند. نصر معتقد است اگر تنها یک بحران برای انسان متجدد وجود داشته باشد، بحران معنویت است. این بحران بدین معناست که انسان متجدد از مرکز و محور اصلی خویش دور افتاده و فقط در حاشیه چرخ هستی به‌سر می‌برد و این درحالی است که نه‌تنها از مرکز هستی، بلکه از اسباب و وسائط نیل به آن نیز غافل است و این غفلت نه از آن روست که به چنین مرکز و محوری باور دارد (ولی تن‌آسایی و خودبینی‌اش مانع از توجه و اهتمام بدان می‌شود)، بلکه بیشتر از آن روست که بدان باور ندارد و بنابراین باید گفت از آن بی‌خبر است. نویسنده ریشه بحران معنویت دنیای متجدد را در همین غفلت یا به تعبیری بی‌خبری از مرکز عالم هستی می‌داند و می‌خواهد با استفاده از منابع و ذخایر سنت اسلامی برای رهایی از آن چاره‌اندیشی کند (همان، ص ۴۷).

نصر معتقد است تحولات جدید در جهان به‌ویژه در مغرب زمین، بیشتر نتیجه تمدن جدید در جهان در دوره رنسانس است و سرعت آن اخیراً خیلی سریع‌تر شده که این سرعت می‌تواند به معنای سرعت اضمحلال آن باشد، یعنی در

واقع ما شاهد اضمحلال دنیای جدید هستیم. شکی نیست که روند ازهم‌پاشی و اضمحلال دنیای جدید سریع‌تر شده و به همین علت بسیاری از افراد در غرب بسی بیشتر به دنبال عالم‌های دیگر ارزشی و فکری می‌گردند. این نحوه تفکر بعد از جنگ جهانی دوم خیلی بیشتر شد، یعنی علاقه و گرایش به عرفان شرقی، به «ذن»، به آیین هند و به تصوف و به فلسفه‌های غیر غربی به امری گسترده و عمومی بدل شد. هم‌اکنون این نهضت با سرعت بیشتری رشد کرده است، گرچه بیشتر به‌طور سطحی از قرن شانزدهم و با رنسانس آغاز شد. تشنگی و جست‌وجو برای شناخت ابعاد تمدن‌های دیگر فراتر از تمدن غربی فزونی یافته، اما همگام با آن نوعی گسستگی در پیوندهای انسانی، خانوادگی و اخلاقی نیز روبه افزایش است. در چند قرن گذشته در غرب این فلاسفه بودند که ارزش‌های معنوی یا اخلاقی و دینی را انکار می‌کردند، اما هم‌اکنون این امر به مردم عامی هم سرایت کرده و از این‌رو بنیادهای زندگی و مبنای فرهنگی جامعه غرب چنانچه در قرون وسطی وجود داشت و بخشی از آن در دوران بعدی استمرار یافت، در حال ازهم‌پاشی است. این دیدگاه من است و ترجیح می‌دهم به جای بیان مبهم یا گریز از طرح این نوع مسائل، به صراحت آن را مطرح کنم (رضوی، ۱۳۹۱).

### نتیجه‌گیری

در این مقاله، اندیشه‌ها و افکار سید حسین نصر در مورد سنت و سنت‌گرایی و انتقاد وی از غرب به رشته تحریر درآمد. به نظر نصر، انسان سنتی از امر قدسی جداشدنی نیست و همواره به امر قدسی رجوع می‌کند. از آنجا که امر قدسی استدلالی ابدی و ازلی است، بنابراین لایتغیر است، در نتیجه سنت نیز که به امر قدسی رجوع دارد لایتغیر خواهد بود، زیرا به منبع ازلی و ابدی توجه دارد. سخن گفتن از سنت به معنای مبدأ سماوی هر دین و سنت اصیل نیست، بلکه به معنای تأیید و اثبات امر قدسی در هر پیام فرورفته شده از آسمان است، در عین وقوف به آن سنت ازلی که هر سنت نه فقط به لحاظ آموزه رمزا، بلکه به موجب حفظ حضوری که از امر قدسی جدایی‌ناپذیر است، مؤید آن است. نصر همواره به نقد غرب پرداخته و بازگشت به عرفان و سنت اسلامی را برای پیشرفت جهان اسلام توصیه می‌کند. وی همواره خطاب به دانشجویان می‌گفت هیچ‌کس نخواهد توانست سنت فکری سرزمینش را از دریچه چشم‌انداز تفکری بیگانه به‌درستی بنگرد، همان‌گونه که هیچ‌کس با چشم دیگری خودش را نخواهد دید. در واقع نصر معتقد است متدولوژی آموزش فلسفه و علوم انسانی در سرزمین ما باید از زاویه درون به بیرون شکل بگیرد. دکتر نصر نماینده اصلی فکری گفتمان سنت‌گرایی است که توسط مرحوم عبدالواحد یحیی در دنیای اسلام و توسط رنه گنون در دنیای غرب مطرح شده بود. با توجه به معنای مورد نظر سنت‌گرایان، می‌توان سنت را همان حقایق و آداب و رسوم با منشأ آسمانی دانست که نه تنها امری متعلق به گذشته نیست، بلکه در هر زمان و مکانی جریان دارد، حقیقتی است که انسان را به خدا رسانده و موجب پیوند میان او و خالقش می‌شود و همین پیوند است که جهان‌شمولی و جاودانگی سنت را به ارمغان می‌آورد. بنابراین نه تنها بیش از هر چیز با دین مرتبط است، بلکه پیوندی ناگسستگی با آن دارد به‌گونه‌ای که سنت‌گرایان معنای سنت را در پیوند با دین بررسی می‌کنند.

## منابع

- امامی جمعه، سید مهدی؛ طالبی، زهرا (۱۳۹۱). سنت و سنت‌گرایی از دیدگاه قریتوف شووان و دکتر سید حسین نصر. *الهیات تطبیقی*، سال سوم.
- دارابی، علی (۱۳۸۸). *جریان‌شناسی سیاسی در ایران*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دین‌پرست، منوچهر (۱۳۸۵). علم دینی و قدسی از نگاه دکتر نصر. *ذهن*، شماره ۲۶.
- رضوی، سید مسعود (۱۳۹۱). *سیر سنت‌گرایی و مسائل معاصر*. بی‌جا: بی‌نا.
- ریویر، کلود (۱۳۸۲). *درآمدی بر انسان‌شناسی*. ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
- شووان، فریتوف (۱۳۸۶). *شناخت اسلام*. ترجمه ضیاءالدین دشتی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شووان، فریتوف (۱۳۸۳). *اسلام و حکمت خالده*. ترجمه فروزان راسخی. تهران: هرمس.
- عدنان، اصلان (۱۳۸۵). *پلورالیسم دینی و کثرت ادیان از نگاه جان هیک و سید حسین نصر*. ترجمه انشاءالله رحمتی. بی‌جا: نقش جهان.
- کدیور، محسن (۱۳۸۷). *سنت‌گرایی در بوته نقد*. *بازتاب اندیشه*، شماره ۹۹.
- گنون، رنه (۱۳۷۲). *بحران دنیای متجدد*. ترجمه ضیاءالدین دهشیری. تهران: امیرکبیر.
- نصر، سید حسین (۱۳۷۸). *نیاز به علم قدسی*. ترجمه حسن میاننداری. قم: موسسه فرهنگی طه.
- نصر، سید حسین (۱۳۷۵). *جوان مسلمان و دنیای متجدد*. ترجمه مرتضی اسعدی. تهران: طرح نو.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۰). *معرفت و معنویت*. ترجمه انشاءالله رحمتی. تهران: دفتر نشر سهروردی.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۱). *معرفت و معنویت*. ترجمه انشاءالله رحمتی. تهران: دفتر نشر سهروردی، چاپ دوم.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۳). *انسان و تنگناهای انسان متجدد*. تهران: دفتر نشر و پژوهش سهروردی.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۵). *در جستجوی امر قدسی*. در گفتگوی رامین جهاننگلو. ترجمه مصطفی شهر آئینی. تهران: نشر نی.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۶). *دین و نظام طبیعت*. ترجمه محمدحسین فغوری. تهران: حکمت.